

## درونی کردن ارزش‌های اجتماعی در تربیت

# وفاق اجتماعی (قسمت دوم)



دکتر فریبرز بیات

وامی دارد. جامعه‌پذیری فرایندی است که به موجب آن، فرهنگ جامعه از یک نسل به نسل بعدی منتقل و فرد با شیوه‌های پذیرفته و تأیید شده‌ی زندگی سازمان یافته‌ی اجتماعی سازگاری می‌شود.

ب. رابطه‌ی فرد با جامعه: برخلاف رابطه‌ی قبل که جبری و کلی بود، این ارتباط در سطح خرد برقرار است و از حالتی اختیاری و آزادانه برخوردار است. این رابطه تحت تأثیر نیازها و مطابق خواست‌ها، نگرش‌ها، تجربه‌های پیشین و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی فرد است. براساس این نیازها، فرد رابطه‌ی خاصی را با نهادها، گروه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی برقرار می‌کند و با قبول قواعد و مقررات این گروه‌ها و نهادها و به‌کارگیری آن‌ها، تلاش می‌کند به اهداف خود نائل شود. در این معنا، جامعه‌پذیری فرایندی است که فرد با گذر از آن خودش را با محیط اجتماعی - فرهنگی پیرامونش سازگار می‌کند. (نیک گهر، ۱۳۶۹: ۴۸).

ج. رابطه‌ی میان نهادها و گروه‌های جامعه‌پذیرکننده: این رابطه به نوع ارتباطات و هماهنگی‌های میان گروه‌ها و نهادهایی اشاره دارد که به ارائه یک سری معیارها و الگوها با هم می‌پردازند. در جوامع گذشته، میان نهادهای جامعه تفکیک کارکردی وجود داشت و هر نهاد کارکرد خاص و ویژه‌ای داشت، اما امروزه اشتراک کارکردی میان نهادها یک اصل عام است؛ به گونه‌ای که نهادهایی چون خانواده، مدرسه و رسانه به‌طور هم‌زمان کارکرد تربیتی را به عهده دارند و کارکردهای نهاد اصلی جامعه بسیار به هم نزدیک شده‌اند.

دوره‌ی ابتدایی، دوران شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و اخلاقی است. به همین دلیل کارکرد درونی کردن ارزش‌های اجتماعی در تربیت، افزایش شناخت و تعمیق اعتقاد و اعتماد به درستی، مطلوبیت و مشروعیت قواعد، قوانین و هنجارهای اجتماعی، بهینه‌سازی رفتار اجتماعی، پیشگیری از سردرگمی و بلا تکلیفی در دوره‌های و چندراهی‌های زندگی است. بنابراین، پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای اجتماعی و جلب اعتماد و مشارکت‌پذیر کردن افراد، ایجاد تفاهم و کاهش تعارضات و تضادها، ناهنجاری‌ها، بزه‌کاری‌ها، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و به‌طور کلی نظم، انسجام، همبستگی و وفاق اجتماعی نیز در نظر است.

از نظر بسیاری از جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری فرایندی دائمی است و از تولد کودک آغاز و تا پایان زندگی وی ادامه می‌یابد. اما فرایند جامعه‌پذیری در مراحل اولیه‌ی زندگی، به‌خصوص مراحل کودکی و نوجوانی، عموماً ناآگاهانه و در مراحل بزرگ‌سالی آگاهانه و هدفمند است. جامعه‌پذیری جریانی است که یک طرف آن فرد و طرف دیگر آن جامعه است. در این زمینه سه فرایند جامعه‌پذیری را مطالعه خواهید کرد.

### کلیدواژه‌ها: وفاق اجتماعی، جامعه‌پذیری

گفته می‌شود تربیت اجتماعی، آشنایی با مفاهیم زندگی و معیارهای حاکم بر آن است. از این رو جامعه‌پذیری ماحصل سه فرایند است:

الف. رابطه‌ی جامعه با فرد: در این معنا جامعه به دنیای خارجی اجتماعی، گروه نهادسازمان یا هر نوع سبیل و قراردادی اطلاق می‌شود که زمینه‌ها و شرایط مناسب برای عمل فرد را فراهم می‌کند و فرد را به تبعیت از آن‌ها

چون کاهش تعارضات و تضادها، افزایش نظم و انسجام اجتماعی، افزایش مشارکت و اعتماد اجتماعی یا حفظ میراث فرهنگی و ارزش‌های مشترک توجه کرد، بلکه ضروری است مقاصد و آثار تربیت اجتماعی را در سطح فرد و نظام شخصیتی نیز مورد توجه قرار داد؛ آثاری چون تربیت افرادی مستقل، آزاد، عقلانی، نقاد، جست‌وجوگر، عاطفی، اهل تفاهم، گفت‌وگو و مدارا.

۴. در مورد عوامل تربیت اجتماعی، با توجه به تغییر و تحولات اجتماعی عظیم و شتابناک دهه‌های اخیر، باید از محدود و منحصراً کردن عوامل تربیت اجتماعی به خانواده و در نهایت مدرسه یا گروه همسالان پرهیز کرد و به نقش و کارکرد فوق‌العاده‌ی نهادها و آژانس‌های جدید اجتماعی کردن، مثل رسانه‌ها و نیز شبکه‌های اجتماعی توجه جدی داشت؛ به ویژه که رسانه‌های اجتماعی اکنون دیگر نه ابزار و تکنیک، بلکه زبان فرهنگ و بستری اجتماعی هستند که عشق، مناسبات خانوادگی و دوستی، آموزش و پژوهش، تجارت و کسب‌وکار، تفریح و فراغت و به‌طور کلی زندگی اجتماعی در بستر شبکه‌ای از آن‌ها جریان‌یابی می‌کند؛ تاجایی که برخی از جامعه‌شناسان از «جامعه‌ی شبکه‌ای» سخن می‌گویند (کاستلز، ۱۳۸۰). با توجه به این تعریف‌ها، ویژگی‌ها و کارکردها است که بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند، چنانچه مدرسه و برنامه‌های درسی، خود را با دنیای رسانه‌ای شده و جامعه‌ی شبکه‌ای همراه کنند، محیط مناسبی برای دانش‌ورزی و تربیت شهروندانی آگاه، فعال، معقول، مستقل، مسئول و متعهد به منافع و خیر اجتماعی خواهند بود.

از مجموع تعریف‌ها چنین استنباط می‌شود که «تربیت اجتماعی فرایندی است که طی آن فرد با ارزش‌ها، هنجارها، و قواعد اجتماعی و اخلاقی مورد قبول جامعه آشنا می‌شود و آن‌ها را درونی می‌کند تا بتواند زندگی اجتماعی خود را بر اساس چنان قواعدی سامان بدهد.» بر مبنای چنین تعریفی، ویژگی‌ها و مرزهای تربیت اجتماعی را می‌توان به این صورت زیر مشخص کرد:

۱. تربیت اجتماعی واجد دو بعد است: «فرهنگی» یا قواعد و ارزش‌ها و «اجتماعی» یا تعهد و پایبندی عملی به آن قواعد در میدان زندگی اجتماعی. به همین دلیل، تربیت اجتماعی تنها به بعد شناختی و آشنایی با ارزش‌ها، قواعد و قوانین اجتماعی و اخلاقی محدود نمی‌شود، بلکه بعد انگیزشی و عملی نیز دارد. همچنان که دورکیم نیز در تعریف خود اخلاق اجتماعی را پایبندی به مجموعه قواعد مشترک، مقتدر، آگاهانه و انسجام‌بخشی می‌داند که رفتار و کنش‌ها را در جهت خیر اجتماعی منظم و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند (بیات، ۱۳۹۷: ۶).

۲. تربیت اجتماعی برخلاف برخی تصورات و برداشت‌های اولیه، فرایندی یک‌سویه نیست که طی آن جامعه، نهادها و ساختارهای اجتماعی قواعد و تکالیف خود را بر فرد تحمیل کند و کنشگر منفعل باشد. بلکه چنین فرایندی دوسویه و تعاملی بین ساختار و کنش است و نقش عامل و کنشگر را نباید در پذیرش و باور به چنین قواعدی و نیز پایبندی عملی به آن‌ها از نظر دور داشت یا کم‌اهمیت تلقی کرد. چرا که در غیر این صورت، همچنان که برخی جامعه‌شناسان یادآور شده‌اند، هنجارهای جامعه در ذهن افراد ملکه نمی‌شوند و فرایند اجتماعی شدن ناموفق خواهد بود. در آن صورت افرادی در جامعه پرورش می‌یابند که به علت درونی نشدن هنجارها در وجودشان، از تخلف و قانون‌شکنی احساس پشیمانی و شرمساری نمی‌کنند و تنها نیروی بازدارنده‌ی آن‌ها از انحرافات اجتماعی از بین می‌رود (چلبی، ۱۳۸۵).

۳. در فرایند جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن نباید تنها به مقاصد، آثار و پیامدهای کلان این فرایند،

#### منابع

۱. آرون ریمون (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی باقر پرهام. آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۲/ باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۲. انتشارات مدرسه. تهران، ۳/ بیات، فریبرز (۱۳۹۷). بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. دانش‌کده‌ی علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات تهران. دانشگاه آزاد اسلامی، ۴/ بیرو، آئن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه‌ی باقر ساروخانی. نشر کیهان. چاپ دوم. تهران، ۵/ چلبی، مسعود (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی نظم. تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. نشر نی. چاپ اول. تهران، ۶/ حق‌شناس، ع. م. سامعی، ح. و انتخایی، ن (۱۳۸۷). فرهنگ معاصر هزاره فرهنگ معاصر. چاپ سیزدهم. تهران، ۷/ ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۹). مقدمه‌ی بر آسپیشناسی اجتماعی. آرای نور. تهران، ۸/ شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۶). تعلیم و تربیت و مراحل آن. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد، ۹/ رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). آتومی یا آشتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه‌ی پتانسیل آتومی در شهر تهران. انتشارات سروش. تهران، ۱۰/ علاقه‌بند، علی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. بعثت، ۱۱/ علیشاهی، علی (۱۳۹۶). کارکردهای مؤثر تربیت اجتماعی از منظر علامه طباطبایی. معرفت، سال ۲۴، شماره‌ی ۸، صفحه ۸-۱۶۷-۸۰. ۱۲. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای. ج اول، ترجمه‌ی احد علیقلیان و احد خاکباز. طرح نو، تهران، ۱۳/ گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۴/ نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ریزن. تهران.
۱۵. Bircher, L. S. (۲۰۱۲). Part-time doctoral student socialization through peer mentorship. (Unpublished Phd Thesis). School of Education. Kent State University. 16. Scruton, R. (2007) The Palgrave Macmillan dictionary of political thought (Third ed): Palgrave Macmillan.